

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست پریشان زندگی در سپهر سیاسی

ذوالفقار صادق



نشاختر

سر شناسه	صادقی، ذوالفقار، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور	سیاست (پرنیان اندیشه در سپهر سیاسی)/ذوالفقار صادقی.
مشخصات نشر	تبریز: اختر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۵۳۵ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۸۶-۳۰۴-۹
وضعیت فهرست نویسی	فیفا
موضوع	علوم سیاسی
موضوع	Political science
موضوع	موازنه قدرت
موضوع	Balance of power
موضوع	جهانی شدن
موضوع	Globalization
موضوع	رشد سیاسی
موضوع	Political development
موضوع	حزب‌ها، سیاسی
موضوع	Political parties
موضوع	ایران - سیاست و حکومت
موضوع	Iran -- Politics and government
رده بندی کنگره	JA۶۹
رده بندی دیویی	۳۲۰
شماره کتابشناسی ملی	۵۹۶۹۵۶۱



نشر اختر

سیاست، پرنیان اندیشه در سپهر سیاسی

مؤلف: ذوالفقار صادقی

طراح جلد: الناز غیب‌اله زاده

ناشر: نشر اختر / چاپ و صحافی امین

چاپ اول ۱۳۹۸ / ۵۳۵ صفحه / قطع وزیری / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۸۶-۳۰۴-۹

مرکز فروش: تبریز- اول خیابان طالقانی، روبروی مصلی، نشر اختر

تلفن: ۰۴۱-۳۵۵۵۵۳۹۳

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۹	فصل اول: اندیشه سیاسی
۲۰	چکیده
۲۱	(۱) اندیشه سیاسی
۳۵	پی‌نوشت‌ها
۳۷	فصل دوم: سیاست
۳۸	چکیده
۳۹	(۲) سیاست و سیاست‌مدار
۴۳	(۳) تطور تاریخی سیاست
۴۷	(۴) فهم سیاست
۵۱	(۵) برداشتها از سیاست
۵۶	(۶) کارویژه سیاست
۵۹	(۷) تعریف سیاست
۶۴	پی‌نوشت‌ها
۶۷	فصل سوم: علم سیاست
۶۸	چکیده
۷۰	(۸) گستره علم سیاست
۷۴	(۹) چیستی علم سیاست

۷۸	۱۰ نسبت سیاست با علوم دیگر
۸۴	۱۱ مشکلات نظریه‌پردازی در علم سیاست
۸۸	۱۲ مطالعات سیاسی
۹۴	پی‌نوشت‌ها
۹۷	فصل چهارم: قدرت
۹۸	چکیده
۱۰۰	۱۳ قدرت سیاسی
۱۰۵	۱۴ اقتدار سیاسی
۱۰۹	۱۵ ساختار قدرت سیاسی
۱۱۲	۱۶ توزیع قدرت سیاسی
۱۱۸	۱۷ قدرت و سرمایه اجتماعی
۱۲۱	۱۸ قدرت سیاسی در دایره تنوع منابع
۱۲۷	۱۹ قدرت سیاسی در سوز منطقه‌ای
۱۳۳	پی‌نوشت‌ها
۱۳۷	فصل پنجم: چالش‌ها در سیاست
۱۳۸	چکیده
۱۴۰	۲۰ آغاز سخن
۱۴۳	۲۱ چالش‌های سیاست در اجتماع
۱۴۹	۲۲ سیاست قومی
۱۵۵	۲۳ تعارض و انحطاط سیاسی
۱۶۱	۲۴ بحران در سیاست
۱۷۱	۲۵ چالش سیاست با ارزش‌ها و دین
۱۷۶	پی‌نوشت‌ها
۱۷۹	فصل ششم: فرهنگ سیاسی
۱۸۰	چکیده
۱۸۱	۲۶ فرهنگ سیاسی
۱۸۵	۲۷ متغیرهای اثرگذار در فرهنگ سیاسی
۱۹۰	۲۸ گونه‌های فرهنگ سیاسی
۱۹۸	۲۹ ضرورت بازسازی فرهنگ سیاسی
۲۰۵	۳۰ فرهنگ و نظام سیاسی
۲۱۶	پی‌نوشت‌ها

۲۱۹	فصل هفتم: مشروعیت و مشارکت
۲۲۰	چکیده
۲۲۱	(۳۱) قدرت مشروع
۲۲۶	(۳۲) مشروعیت و هویت
۲۳۴	(۳۳) مشارکت سیاسی
۲۳۷	پی‌نوشت‌ها
۲۳۹	فصل هشتم: توسعه سیاسی
۲۴۰	چکیده
۲۴۲	(۳۴) توسعه
۲۴۷	(۳۵) اقتصاد سیاسی
۲۵۳	(۳۶) فرآیند توسعه سیاسی
۲۵۹	(۳۷) سندرم نشانگان توسعه سیاسی
۲۷۴	(۳۸) الگوها در توسعه سیاسی
۲۷۹	(۳۹) چالش‌ها و بحران‌های توسعه سیاسی
۲۸۸	پی‌نوشت‌ها
۲۹۳	فصل نهم: نظام سیاسی
۲۹۴	چکیده
۲۹۶	(۴۰) نظام سیاسی
۳۰۷	(۴۱) گونه‌شناسی نظام‌های سیاسی
۳۲۲	(۴۲) حکمرانی و نظم سیاسی
۳۳۴	(۴۳) ساختارهای اجتماعی - سیاسی
۳۴۳	(۴۴) نظم سیاسی
۳۴۸	پی‌نوشت‌ها
۳۵۳	فصل دهم: زبان سیاست
۳۵۴	چکیده
۳۵۶	(۴۵) ایدئولوژی
۳۶۵	(۴۶) حوزه رئالیسم و چالش‌ها
۳۸۱	(۴۷) حوزه لیبرالیسم و چالش‌ها
۳۹۲	(۴۸) حوزه دموکراسی و چالش‌ها
۴۰۲	(۴۹) حوزه سوسیالیسم و چالش‌ها
۴۱۴	پی‌نوشت‌ها

فصل یازدهم: جامعهٔ سیاسی ۴۱۹

چکیده ۴۲۰

(۵۰) جامعهٔ سیاسی ۴۲۱

(۵۱) ملی‌گرایی ۴۲۵

(۵۲) کارکردهای جامعهٔ سیاسی ۴۵۲

(۵۳) تعارض و بحران در جامعهٔ سیاسی ۴۵۸

پی‌نوشت‌ها ۴۶۸

فصل دوازدهم: جهانی شدن ۴۷۳

چکیده ۴۷۴

(۵۴) جهانی شدن ۴۷۵

(۵۵) دیدگاه‌ها ۴۸۲

(۵۶) حوزه‌های مرتب‌شده جهانی شدن ۴۹۱

(۵۷) ویژگی‌ها و پیام‌ها-جهانی شدن ۵۰۴

پی‌نوشت‌ها ۵۱۱

ضمائم ۵۱۵

(۱) اصطلاحات سیاسی ۵۱۶

(۲) منابع ۵۲۵

(۳) سایر آثار نویسنده ۵۳۵

مقدمه:

(۱)

واقع مطالب این است که توان فکری و آثار قلمی این بنده خدا تا زمانی که تصمیم به مطالعه مؤثر و تولید این اثر شد، در حوزه مربوط به مسائل راهبردی بوده است، نگاهی به عناوین و محتوای آثار من (کتاب و مقالات) ادعای فوق را به اثبات می‌رساند. لیکن، این مطلب به معنی بیگانه شدن من از بحث سیاسی نبوده است. چرا که، هر آنچه از یافته‌های سیاسی و سایر علوم انسانی در مطالعه‌ام بود، در پربار کردن رویکردها در حوزه مسائل راهبردی بوده است و چاره‌ای غیر از آن می‌رانشت باشد.

اینکه چرا در حوزه سیاست وارد نشده‌ام، عمای در کار بوده است؛ اول اینکه در شأن یک یونیفورم پوش که وظیفه قانونی، ملی و استانی آن بایستی در راهبردهای تعریف شده باشد، نبوده و نخواهد بود که در سیاست وارد شود که باعث فساد و انحراف می‌بود. دوم، وارد شدن در این حوزه را نه تنها قانون اجازه نمی‌داد و نه می‌شد که در قضاوت جامعه و اهالی قلم حاصلی جز بدبینی و نفرت نمی‌بود.

بازنشستگی قیدوبندهای فوق را از ذهن و دلم باز کرد، توجه خوبی داشتم تا بطور اساسی در حوزه سیاست وارد شوم و بر معمای ذهنی‌ام در انباشت سؤالاتی که در طی سالیان سال تلنبار شده بود پردازم، که سیاست چیست و چه حوزه‌هایی را در بر می‌گیرد، چه حوزه‌ایست که هر کس در هر طبقه و سطحی توانایی سخن گفتن پیدا کرده و بی لکنت زبان و پشتوانه دانشی، لودیت وار با هر سخن و نظری که خوشش نمی‌آید مخالفت می‌کند و با دلایلی که اکثراً مبنایی اساسی ندارد توجه نظر می‌کند و یا در بهترین حالت در

تمسک به دانشوخ در دفاع از نظریه‌ای می‌پردازد، و حتی تولید نظر و یا مثل پیشگوها حرف می‌زند، بدون اینکه متوجه شود در چه سطحی وارد شده، واقعیات جاری در اجتماع و سیاست را با طرح پرسش‌ها و نظرات هنجاری به مسلخ می‌کشد!

آیا سیاست همان دولت و حاکمیت است، قدرت یا اقتدار است، تعیین کننده جامعه و یا بازتاب وضعیت جامعه است و رابطه آن با جامعه و دانش‌های مرتبط با آن افقی است یا عمودی؟ روستاشینی و شهرنشینی، سطح تحصیلات و آگاهی و ارتباط آن با محدودیت و یا گسترش شفافیت اطلاعات چه ارتباطی با سیاست دارد، و آیا سیاست کمکی به رشد و توسعه همه جانبه کشور و ملتی می‌نماید و یا نقش سدکننده دارد؟ اساساً سیاست وظیفه اختصاصی نخبگاران و حاکمان و سیاست‌گذاران است و یا اقشار مختلف مردم نیز می‌توانند در آن وارد شوند؟ به مطلبی که در حدود شصت و دو سال پیش نگاشته شده بود، برخوردیم؛

در بعضی از جامعه‌های نامتمدن و عقب مانده ممکن است احیاناً این عقیده خطا موجود باشد که دخالت در سیاست از وظایف مردم و دانشجویان و سایر طبقات نیست و دخالت در سیاست تنها و تنها وظیفه زمامداران در درجه اول و از شئون ایشان و در انحصار ایشان باید باشد. باید دانست که تبلیغ چنین عقیده منحصراًست به کشورهای که با روش (دیسپوتیسم یا پلوتوکراسی یا الیگارشی و تیرانی) اداره می‌شوند یعنی کشورهایی که هیئت حاکمه آن معتقد به حکومت مردم نیستند (ولو آنکه ادعا می‌کنند) وجود حکومت مردم نمایند و از زبان مردم سخن گویند) و مایل نمی‌باشند که مردم در کار سیاست حاکمه چون و چرا نمایند و همچنین از خواص جامعه‌هایی است که اکثریت ایشان را مردم بی‌سواد و نادان تشکیل می‌دهند، اکثریتی که از حقوق خود آگاه نیستند و به حقوق خود پی نبرده‌اند. البته دنیای امروز و آینده مطلقاً اجازه وجود و بقای چنین جامعه‌هایی را نخواهد داد. (بازارگاد، بهاء‌الدین: ۱۸؛ ۱۳۳۶)

با توجه به همین مطلب و دیدگاه است که می‌توان نمونه‌های فراوانی را در بین سیاستمداران و در بین اقشار مختلف و افراد مختلفی دید که در بحث‌هایشان نه به نتیجه که به

جدل و گفتگوی ستیزآلود می‌کشد و بر دامنه شکافها افزوده می‌شود چون عوام بر اثر ناآشنائی با ژرفای دانش سیاسی و خواص با بهره‌گیری و سوء استفاده از همین ناآگاهی عمومی و آگاهانه ژرفانگری خود را پنهان و یا در رسیدن به منافع شخصی، گروهی، و نه منافع ملی و میهنی، به عمد آن را نادیده می‌گیرند.

(۲)

از وقتی تصمیم به مطالعه و درنهایت نوشتن کتاب کردم (اواخر سال ۱۳۹۶ تا سال ۱۳۸۸)، یکی از پراکنده‌ترین سالهای سیاسی و اجتماعی است که مردم کشورم با آن دست و پنجه نرم می‌کردند. جغرافیای انعقاد سخن در شکل‌گیری ساختار و انعقاد محتوا در قلمرو فرهنگی رشد، برانگیز ایران، زمانی است که دولت امریکا بعنوان قدرت اول اقتصادی - سیاسی و نظامی دنیا باره کار آمدن «دونالد ترامپ» و استقرار جناح محافظه کار و جنگ طلب در کاخ سفید، از یک‌سایه چندجانبه و بین‌المللی هسته‌ای موسوم به «برجام» که به تأیید شورای امنیت سازمان ملل رسیده بود، بطور یک‌جانبه خارج شد و شدیدترین تحریم‌هایی که در تاریخ روابط بین‌الملل سابقه است بر کشور ما تحمیل شد.

این تحریم‌ها با این راهبرد و در ورای پروپاگاندا، رسدای هدف گذاری شده اند که با اثرگذاری در سبک زندگی مردم و با گسترش فقر بر نارضایتی‌ها دامن بزنند و موجبات فروپاشی اجتماعی - سیاسی را فراهم آورند. می‌توان ادعا کرد که مردم ایران بطور همزمان در پی سابقه‌ترین فشارهای اجتماعی - سیاسی و اقتصادی تاریخی خود در داخل و خارج و در بازه زمانی که از آن یاد شد، قرار گرفته اند.

زمانی که من تصمیم بر مطالعه و قلم‌فرسایی در سیاست و نوشتن این کتاب کرده بودم و آیا تصمیم درستی بود، بایستی مبنایی و توجیهی برای کارم می‌داشتم؟ برای رسیدن به پاسخ، سؤال پیامکی با عنوان زیر تهیه کردم؛

«عناوین سیاسی منطبق بر جغرافیای سیاسی و اجتماعی ایران چه موضوعاتی را شامل است؟»

سؤال فوق برای تعدادی از افرادی که می‌شناختم و طیف‌های مختلف و عمدتاً یکسانی فرستادم و با توجه به اوضاع سیاسی - اجتماعی کشور که از آن یاد کردم، انتظار داشتم پاسخ سؤال را با اولویت اول یعنی مشکل اقتصاد و معیشت مردم طرح نمایند. لیکن، پاسخ سؤالات برعکس انتظار بود!

از میان ۱۰ عنوانِ واصله، تعداد ۵۰ عنوان مربوط به سیاست، ۲۳ عنوان مربوط به اقتصاد، ۲۰ عنوان فرهنگ و تعداد ۱۶ عنوان مرتبط با امنیت بود. به عبارتی نزدیک به پنجاه درصد از پاسخ‌ها، «رسالی تصمیم من در قلم فرسایی در حوزه سیاست را اولویت اول مسائل کشور قلمداد کرده بودند، و این اثربایستی در مسیر درستی ترتیب نظرخواهی را در مسیر حل مسائل کشور مورد هدف قرار داده باشد. مطلبی که انگیزه مطالعه و نوشتن کتاب حاضر را مضاعف و رنج سستی بسیر را توجیه پذیر کرد. برآستی چرا از کلمه «رفج» و چرا از کلمه «سختی» استفاده می‌کنم؛ چه مهمی باعث سرازیر شدن چنین جمله‌ای از ذهنم در این سطور شده است؟

چرایی این سؤال که از علائم نگرانی است، بایستی در وسعت علوم انسانی در کشور دانست. نیازی به کنکاش زیادی نیست وقتی در خیابان انزلی تهران از جلوی مغازه‌های کتابفروشی می‌گذری اگر سابقه کاری در میادین هفته بازار شهر، مانده داشته باشی و یا جلو میادین میوه فروشی در ذهنت مانده باشد، شباهتش را در خرید و فروش پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی یا تزهای دکتری می‌یابی، چه رسد به اوضاع علوم انسانی در دانشگاه‌ها و ره‌آوردی که در آمار و ارقام فارغ التحصیلان آنچنانی در بدنه بوروکراسی و مدیریتی کشور که بهره‌وری آنچنانی را با داشتن نشان‌های دانشی متوهمانه باعث شده اند!

من وقتی صدای دلالان در خیابان انقلاب در گوشم می‌پیچد و یا هر زمان به آن فکر می‌کنم، ناخواگاه آن را راه افتادن جنگ چریکی برای به زانو درآوردن یک ارتش تشبیه

می‌کنم، که خواسته و ناخواسته با هدف به زمین زدن و یا ناکارآمد کردن علوم انسانی شکل گرفته و بایستی هشداری باشد برای دست اندرکاران مرتبط که در صورت تداوم چنین وضعیتی، پایه‌های فرهنگی و تمدنی کشور با دچار شدن مردمان و بخصوص نخبگان متوهم به دمانس فکری، به سُستی و انحطاط خواهد گرایید.

این پیام آدام اسمیت یا کارل مارکس نیست. پیام انقلاب فرانسه یا انقلاب امریکا نیست. بلکه پیام اندلایی ترین فیلسوف یعنی «هراکلیتوس» است. که معروف ترین گفته اش این پیام را می‌رساند: شما نمی‌توانید دوبار به یک رودخانه گام بگذارید، چون تا گام دوم رودخانه دیگر تغییر کرده است. همه چیز در جریان است، همه چیز در تغییر است. (تافلر، آیدین و هایدی؛ ۱۳۹۰) بر این اساس اگر قرار است این اثر در نهایت خود نظریه‌ای باشد و یا نوشتاری در تبیین و تجزیه شدن ایستی در بطن خود ابزار لازم برای تغییر ارائه نماید. اگر غیر از این باشد در معرفی مردم نیز ناکام است و اساساً نبایستی زحمت نوشتن آن را به خود می‌دادم.

تصمیم من در وارد شدن در حوزه سیاست یک توجیه تاریخی و ارزشی نیز برخوردار است. دو واقعیت جاری در زندگی اجتماعی - سیاسی انسانها دارد: این دو واقعه، یکی مربوط حکومت امام علی (ع) است که در آن مسئله «عدالت» از برجستگی ممتاز و عینی برخوردار است، تا جایی که یکی از علل اصلی که باعث شهادت آن حضرت شد برخاسته از «شدت عدل» آن حضرت ذکر کرده اند. دیگری، مربوط به حادثه عاشورا است که در آن امام حسین (ع) در آخرین سخنان، خطاب به لشکریان حاکمیت، نه اعداالت که توصیه به «آزادگی» می‌کند! به این مضمون که: «اگر دین ندارید لااقل آزاده باشید؟» این دو مطلب؛ یعنی «عدالت» و «آزادی» مسئله‌ای است که در طول تاریخ تمدن انسانی همیشه مطرح بوده‌اند، سؤال بزرگی است که این دو عنصر مهم در کدامین نقطه به تلاقی خواهند رسید و معضل بزرگ بشری در آن زمینه به سمت حل شدن گرایش پیدا خواهد کرد؟ غیر از این است که آن زمینه و آن گرانی گاه همان سیاست است! مطلبی که انگیزه لازم را در درستی انتخاب موضوع مورد بحث به اثبات می‌رساند.